

آیت الله

مشکینی

محمد تقی ادهم نژاد

تولد و دوران کودکی

فقیه ربّانی و پارسا حضرت آیه الله حاج میرزا علی مشکینی رحمته الله علیه از جمله شخصیت‌های نادری بود که در سراسر عمر بابرکت و مراحل گوناگون زندگی نورانی خویش منشأ برکات فراوان برای حوزه علمیه و مردم مؤمن و اسوه اخلاقی و عملی برای شاگردان و ارادتمندان خود بود.^۱ این چهره محبوب و روحانی در یکی از روزهای سال ۱۳۰۰ شمسی در روستای «آلئی» از توابع مشکین شهر و در میان خانواده‌ای متدین و روحانی، به عرصه حیات، پای نهاد. پدر بزرگوارش اهل

علم و در کسوت روحانیت بود و به رتق و فتق امور مردم می‌پرداخت. مرحوم آیت الله مشکینی از دوران کودکی خود چنین می‌گوید:

«مرحوم پدرم، پس از گذشت تقریباً ۲۵ سال از عمرش که هیچ درس نخوانده بود، شوق پیدا کرد که برود و درس قدیمه (دینی) بخواند. پدرمان ما را به اردبیل برد و مدتی در آنجا درس خواند و بعد میل پیدا کرد که به زنجان

۱. برگرفته از پیام تسلیت مقام معظم رهبری (مدظله العالی) به مناسبت رحلت حضرت آیت الله مشکینی رحمته الله علیه، افق حوزه، ۱۷ مرداد ۱۳۸۶.

ولی چون دیر شروع کرده بود، آن مقدار که خودش می‌خواست، موفق نشده بود. بدین جهت به من وصیت کرد و گفت که روز قیامت پیش من روسیاه بیایی اگر این درس را تعقیب نکنی و بعد گفت که باید حداقل دو جلد شرح لمعه را تمام کنی. دو جلد شرح لمعه، از کتابهای فقه اسلامی و بسیار پرارزش است. اگر کسی یک دوره این دو جلد کتاب را بخواند، با مسائل اسلامی زیادی آشنا می‌شود.^۱

تحصیل در اردبیل

هنگامی که آیت الله مشکینی همراه پدر در نجف اشرف مقیم بود، به مکتبخانه رفت و سپس همراه پدر به وطن بازگشت و مقداری از مقدمات علوم دینی را نزد او فرا گرفت. با رحلت پدر، و به سفارش او، برای تحصیل علوم دینی به شهرستان اردبیل سفر کرد و مقداری از صرف و نحو را در آنجا فرا گرفت. سپس همراه عالم بزرگواری که از مجروحان حادثه

برود. در آن زمان، حوزه علمیه زنجان، تقریباً بهتر از جاهای دیگر بود. پس از مدتی پدرمان تصمیم گرفت که به نجف برود. آن وقت ما خیلی کوچک بودیم که او ما را در ده (زادگاه) گذاشت و رفت. زندگی ما خیلی پایین و سطحی می‌گذشت. یادم هست که چراغ ما از نوعی بود که پدرم خودش از گل ساخته بود که در آن روغن کرچک می‌ریختند.

پس از چهار سال که پدرمان در نجف بودند نامه نوشتند و ما را دایی‌مان به اتفاق خانواده به نجف بردند. ما هم چهار سال در نجف بودیم. آن وقت هم بچه بودیم و تازه به مکتب می‌رفتیم. آنجا نزدیک به دو سال «امثله» و «صرف میر» شروع کردیم که اولین قدم برای درسهای عربی است. وقتی مادرمان در نجف فوت کرد، پدرمان ما را برداشت و دوباره به ده (زادگاه) آورد. باز مدتی در ده زندگی کردیم که پدرم مرحوم شد. مرحوم پدرم به درس قرآن و تفسیر و احکام دین، خیلی علاقه داشت. او از شاگردان مرحوم اصفهانی و نائینی بود؛

۱. پاسدار اسلام، مهدی مشایخی، بی‌جا، بی‌نا، ص ۸۶، و گلشن ابرار، جمعی از محققان مرکز علمی کاربردی پژوهشکده باقر العلوم، ج ۵.

ایمان به راهی بود که در آن پای نهاده بودیم. هر چند در این غربت و تنهایی سایه پدر و مادر نبود؛ لکن همواره خدا بود و باور این حضور، ما را از یأس و ناامیدی نجات می داد.^۱

خوابی معجزه آسا

مرحوم آیت الله مشکینی بعد از دو سال اقامت در اردبیل تصمیم می گیرد که برای ادامه تحصیل علوم دینی به حوزه علمیه قم مهاجرت نماید؛ ولی به علت مشکلات مادی زمینه این کار فراهم نشده بود. او در این باره چنین می گوید: «در اردبیل با یکی از دوستان ملاقات کردیم و او به ما گفت که در اردبیل درس درستی نیست. بیایید با هم به قم برویم و آنجا درس بخوانیم. این حرف در مغز من خیلی اثر کرد و تصمیم گرفتیم با او به قم بیایم. دوست دیگری هم پیدا شد و سه نفر شدیم. من گفتم که حالا باید چه بکنیم، خرج راه هم نداریم. همان وقت، خوابی دیدم که بعداً مثل معجزه تحقق پیدا کرد. خواب دیدم در

خونین مسجد گوهرشاد مشهد در زمان رضاخان بود به شهر قم آمد و در آن شهر مذهبی و مقدس به تحصیل علوم دینی پرداخت.

مرحوم آیت الله مشکینی درباره اوضاع سخت و ناگوار دوران ورودشان به حوزه علمیه اردبیل چنین می فرماید: «پس از فوت پدر، ما یتیم بودیم و هیچی هم نداشتیم. در آن وقت که شاید اوایل بلوغمان بود. شانزده ساله بودیم. یکی دو سال گذشت؛ ولی ما قدرت پیدا نکردیم که برویم و درس بخوانیم. کسی هم نبود که به ما پول بدهد. به هر حال، پس از مدتی به فکر افتادیم که خوب، پدرمان به ما وصیت کرده و باید آن را انجام دهیم. این بود که پیاده از ده به اردبیل آمدیم که نزدیک به ده فرسخ (۶۰ کیلومتر) مسافت آن می شد. بار اول که آمدیم جایی را پیدا نکردیم. دوباره به ده برگشیم، باز دوباره دفعه دوم همین حرکت را شروع کردیم. حالا یادم نیست که با الاغ آمدیم یا پیاده. با وجود همه سختیها و نبود امکانات، چیزی که ما را امیدوار کرده بود، توکل به خدا و

۱. همان، ص ۸۸

خانه‌ای هستم و باید از عده‌ای پذیرایی کنم. بعد دیدم که ظرف بزرگی پر از کره آوردند و به همراه شش تومان پول به من دادند. بعد از خواب بیدار شدم. خوابی بیش نبود. چند وقتی نیز از این ماجرا گذشت. در یکی از روزها تصمیم گرفتم به دهات اطراف، به دیدار دوستانی که با پدرم رفت و آمد داشتند، رفته و دیداری با آنها انجام بدهم. شاید هم بدین جهت بود که قصد خداحافظی داشتم. این سفر انجام گرفت. هنگام بازگشت چون دوستان پدرم فهمیده بودند که سفر قم در پیش دارم به اصرار پولی در اختیار من قرار دادند که دقیقاً پنج تومان بود. من به شهر آمدم و دیگر نظرم قطعی شده بود و دوستانم اعلام آمادگی کردند. هنگام رفتن به محل سوار شدن، از نزدیکیهای محل اقامت آیت الله بادکوبه‌ای که امام جماعت و عالم بزرگ این شهر بود می‌گذشتم. موافق ادب دیدم که به او نیز سلام کنم و سفر خود را به عرض ایشان برسانم. پس از خارج شدن از منزل ایشان، دوستم یک تومان به دست من گذاشت و گفت که

آقا برای هر نفر ما یک تومان پول داده است. من در همین لحظه بود که به درستی خواب و لطف و رحمت الهی نیز پی بردم. وقتی به قم آمدیم نصف بیش تر پول، خرج راهمان شده بود. بعضی از دوستان در اینجا به ما می‌گفتند: «آخه باباشما با دو تومان پول آمده‌اید قم!!» آن وقت، رفت و آمد مشکل بود و به زودی نمی‌شد تماس گرفت، اساتید ما فهمیدند که ما پولمان کم است و ناراحتیم. به ما گفتند شما فکر کنید پول زیادی به اینجا آورده‌اید، یک سال مانده‌اید و بعد پولتان تمام شده است. آن وقت چه کار می‌کردید؟ حالا امروز، همان کار را بکنید! ما هم به خدا توکل کردیم.

تقریباً چهار سال به‌طور جدی در قم درس خواندیم و سپس به زادگاهمان رفتیم و سری به اقوام و دوستان زدیم. در این مدت، یک تومان هم از ده برای ما پول نیامد. همین‌طور اعتقاد و توکل به خدا داشتیم و خدا به ما روزی می‌داد؛ حالا یک روز خوب بود و یک روز بد، به هر حال ما با آن

ساختیم»^۱

حوزه مبارکه قم و اوضاع آن زمان
حضرت آیت الله مشکینی، زمانی وارد حوزه علمیه قم شد که سایه شوم حکومت ضد دینی رضاخان بر همه جای ایران بیداد می کرد و روحانیت شیعه، زیر فشار سهمگین اختناق آن قلدر بیسواد به سر می برد و ترس و دلهره شدیدی بر طلاب علوم دینی و حوزه های علمیه حاکم شده بود. طلاب مدارس برای در امان ماندن از بدرفتاریهای مأموران سنگدل رضاخان، روزها قبل از طلوع آفتاب از شهر بیرون می رفتند و بساط درس و بحث را در میان باغات اطراف شهر دایر می ساختند و هنگامی که تاریکی شب همه جا را فرا می گرفت به شهر مراجعت می کردند و این کار تا زمان سقوط رضاخان از حکومت تداوم داشت.

حضرت آیت الله مشکینی بعد از ورود به قم در مدرسه فیضیه سکونت گزید و چندین سال از حیات منحوس رضاخان را درک کرد.^۲ و نیز همانند همه طلاب و فضلالی حوزه علمیه قم،

زیر فشار و اختناق و ... بود.

آن بزرگوار، بعد از ورود به حوزه علمیه قم و تحمل مشکلات و سختیهای زیاد، با جدیت و تلاش فراوان مشغول تحصیل علوم اسلامی شد و توانست در بسیاری از رشته های علوم اسلامی متبحر و متخصص شود. بعد از اتمام سطوح عالی، در درس خارج فقه و اصول اساتیدی فرزانه شرکت کرد و از خرمن دانش بیکران آنان خوشه چید. اسامی آنان عبارت اند از: آیات عظام

۱. سید محمدتقی خوانساری (متوفای ۱۳۷۱ قمری)؛
۲. سید محمد حجت کوه کمری (متوفای ۱۳۷۲ قمری)؛
۳. سید صدر الدین صدر (متوفای ۱۳۷۳ قمری)؛
۴. سید حسین طباطبایی بروجردی (متوفای ۱۳۸۰ قمری)؛
۵. امام خمینی (متوفی ۱۳۶۸ شمسی)؛

۱. همان، ص ۸۸ و ۸۹

۲. برگرفته از زندگینامه خود نوشت حضرت آیت الله مشکینی، افق حوزه، ۱۷ مرداد ۱۳۸۶.

اللّه محلاتی، شهید غلامحسین حقانی،
 محمد محمدی گیلانی، محمد امامی
 کاشانی، یوسف صانعی، محمدرضا
 مهدوی کنی، اکبر هاشمی رفسنجانی،
 عباس محفوظی، مرتضی بنی فضل،
 محمد مؤمن، احمد جنتی، زین
 العابدین قربانی، هادی باریک‌بین،
 محسن حرم‌پناهی، صادق احسان
 بخش، علی دوانی، محمدعلی گرامی،
 سید حسن طاهری خرم‌آبادی، دکتر
 ضیایی، سید محسن خرازی، علی
 حجتی کرمانی، محی الدین فاضل
 هرنندی، عمید زنجانی و مصطفی
 زمانی.

در ضمن، حضرت آیت‌اللّه
 مشکینی، یکی از چهره‌های محبوب
 اخلاقی در حوزه علمیه قم بودند.
 درس اخلاق وی، همواره یکی از
 مهم‌ترین و شلوغ‌ترین درس‌های
 اخلاق در حوزه قم بود. سخنان وی که

۱. شرح حال اساتید فرزانه حضرت آیت‌اللّه
 مشکینی در «مجموعه گلشن ابرار» جمعی از
 مؤلفان پژوهشکده علمی، کاربردی باقر
 العلوم علیه السلام به تفصیل آمده است.

۲. آثار الحجه، محمد شریف رازی، مؤسسه دار
 الکتاب، قم، ۱۳۳۲، ج ۲، ص ۱۷۱.

۶. سید محمد محقق داماد
 (متوفای ۱۳۸۸ قمری):

۷. سید محمد حسین طباطبایی
 مؤلف تفسیر المیزان (متوفای ۱۴۰۲
 قمری).^۱

در ضمن آیت‌اللّه مشکینی،
 نزدیک هفت ماه به حوزه علمیه نجف
 اشرف رفت و از محضر فقهای آن
 حوزه کهنسال، به ویژه حضرت امام
 خمینی علیه السلام بهره‌مند شد؛ اما به علت
 شدت گرما و ضعف مزاج، مجبور شد
 به ایران بازگردد.

تدریس و شاگردان

آن استاد اخلاق، در همان اوان
 تحصیل، به تدریس سطوح مختلف
 علوم اسلامی پرداخت و کرسی
 تدریس او، یکی از شلوغ‌ترین و
 پرجمعیت‌ترین جلسات درسی حوزه
 مبارکه قم به شمار می‌رفت^۲ و
 شخصیت‌های فراوانی از مکتب علمی
 این استاد فرزانه بهره جستند که به
 اسامی تنی چند از شاگردان آن مرحوم
 در ذیل اشاره می‌شود. آیات و حجج
 اسلام، آقایان:

شهید ربانی املشی، شهید فضل

زندانی شدن حضرت امام، به میدان آمد و از نخستین امضاکنندگان اعلامیه‌های اعتراضی به دولت طاغوتی برای محکوم ساختن عمل شاه بود.

وقتی وی از قصد رژیم، مبنی بر محاکمه و مجازات اعدام امام خمینی رحمته الله آگاه شد، سایر مراجع و بزرگان شیعه را از این موضوع آگاه ساخت و موفق شد با تأیید مرجعیت امام خمینی رحمته الله از سوی مراجع تقلید و بزرگان، مانع محاکمه امام توسط رژیم شود. او پس از تبعید امام خمینی، در منزل خود اقدام به تشکیل برخی جلسات کرد و از علمای بزرگی، چون: شهید ربانی رحمته الله ^۱ و سایر اساتید دعوت به عمل آورد تا برای بازگرداندن امام از تبعید، چاره‌جویی کنند. این جلسات به دلیل دخالت

مشحون از نصایح و مواعظ برگرفته از آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام و سیره علمی بزرگان دین بود، چون از دل برمی‌خاست، بر دل می‌نشست. این برنامه، مشتاقان فراوانی را جذب بیان شیوا و گرم این انسان خودساخته نموده بود.^۱

مبارزات سیاسی

حضرت آیت الله مشکینی از چهره‌های انقلابی و شجاع دوران معاصر است که از همان سالهای آغاز شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۴۱ شمسی در کنار امام خمینی رحمته الله بود و با همه توان از حریم اسلام و فقاقت و مرجعیت امام راحل رحمته الله جانانه دفاع کرد و از پیشگامان نهضت مقدس اسلامی به شمار می‌رفت که ضمن ارشاد و هدایت مردم، به روشنگری درباره ماهیت و اهداف پلید رژیم پرداخت و در این راه، شکنجه‌ها، تهدیدها، مرارتها و تبعیدها را با آغوش باز متحمل شد.

وی از جمله روحانیان آگاه و بیداری بود که در جریان دستگیری و

۱. مخصوصاً تجلیل ایشان در آستانه محرم و رمضان هر سال از مبلغان اعزامی که مایه دلگرمی و قوت قلب مبلغان و طلاب جوان بود، هیچ‌گاه از یادها محو نخواهد شد.

۲. گلشن ابرار، جمعی از مؤلفان پژوهشگر علمی - کاربردی، چاپ اول، نور السجاد قم، زمستان ۱۳۸۴، ج ۵، ص ۵۷۸.

ساواک و دستگیری برخی از علما به مقصد نرسید؛ ولی بازتاب آن، این شد که حوزه‌های علمیه و مسلمانان غیور و آزاده جهان را متوجه ایران و امام خمینی کرد.^۱

اقامت اجباری

آیت الله مشکینی به دنبال تشکیل جلسات مخفی و شرکت و تبادل نظر درباره دستورهای امام راحل علیه السلام بارها به ساواک و شهربانی احضار و زندانی شد؛ اما به این علت که معظم له به دستورهای رژیم پایبند نبود و فعالیت مستمر داشت، تحت تعقیب قرار گرفت و چهار ماه در تهران متواری شد و سرانجام مخفیانه به عراق رفت و پس از هفت ماه توقف و بهره‌مندی از دروس اساتید فرزانه آن دیار سرانجام به ایران بازگشت که در نخستین روز ورود به قم از سوی ساواک احضار و از وی خواسته شد که تا ۴۸ ساعت، قم را ترک کند. از این رو، معظم له به مشهد مقدس مهاجرت کرد و ۱۵ ماه در آنجا ماند و مشغول تدریس شد. وی، مبارزات خود را نیز در آنجا پی گرفت و دوباره به قم مراجعت کرد.

معظم له در این باره می‌گوید: «این جانب چندین بار در زندان ساواک قم و شهربانی، زندانی شدم و در پی جلسات مخفی که مرتباً در قم و به منظور تبادل نظر در زمینه به اجرا گذاردن منویات و یا دستورات امام امت انجام می‌شد، تحت تعقیب قرار گرفته، قریب چهار ماه به تهران متواری شدم و با اسم مستعار با دوستان تماس داشتم؛ ولی اغلب دوستان هم‌رزم دستگیر و به زندان قصر و اوین رهسپار شدند. در ایام متواری بودن، چندین بار مرحوم آیت الله طالقانی - که ایشان نیز زندانی بود - پیام فرستاد که خود را نشان بده تا دستگیرت کنند؛ چه آنکه زندان، بهتر از آن است و اغلب دوستان و جوانان مسئول و متعهد را در زندان، حداقل از نزدیک زیارت می‌کنی؛ ولی من به سبب علاقه شدیدی که به مطالعه و تألیف داشتم و می‌ترسیدم که در زندان، وسایل کارم فراهم نشود، چنین نکردم و بدین منظور در ایام فرار و

۱. اسناد انقلاب اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۳۸.

و در خانه گلینی در روستای خود به دیدار ارحام نائل بودم؛ اما جوانکی وارد اتاق شد و گفت که چند جمله‌ای در بیرون اتاق به شما عرض دارم. از اتاق بیرون آمدن همان و خود را در محاصره عده‌ای ساواکی دیدن، همان. من را در لندروری سوار کرده و با شتاب تمام به اردبیل آوردند. در اتاق ساواک، دو نفر سرباز نظامی با دستبند دور مرا گرفتند. رئیس ساواک اجازه دستبند نداد؛ ولی من را به دست آن دو سپرد که به ساواک قم تحویل دهند و قبض رسید بیاورند. بلافاصله در اوایل روز، سوار ماشین کرده، نزدیک نیمه شب در شهر قم پیاده کرده و تحویل ساواک دادند. از آنجا به شهربانی فرستاده شدم و پس از سؤالاتی، برگه رسمی تبعیدی یعنی نامه عملم را به دست چپم داده به طرف ماهان کرمان روانه نمودند. در مدت دو روز و یک شب پس از پیمودن ۳۰۰ فرسنگ راه، تحویل آخرین مشتری یعنی پاسگاه بخش ماهان دادند.

۱. زندگی خودنوشت حضرت آیت الله مشکینی، افق حوزه، ۱۷ مرداد ۱۳۸۶.

تبعید، به تألیف چندین کتاب موفق شدم.

پس از چهار ماه، ایران را جای اقامت ندیدم و روزی در ایستگاه قطار حاضر شدم و به قصد خرمشهر و سپس عراق، سوار قطار شدم. یکی از برادران روحانی که از وضع من مطلع بود و می‌دانست چندین ماه است که از بچه‌هایم اطلاع ندارم و به سفر خارج عازم هستم، متأثر و اشکش جاری شد؛ ولی من، چندان متأثر نبودم، چه آنکه از دنیای بی مهر و پر عناد، جز این را سراغ و توقع نداشتم.^۱

تبعید و تبلیغ

حضور پرشور و حماسی آیت الله مشکینی برای رژیم طاغوتی در حوزه قم، قابل تحمل نبود و بدین سبب، طی حکمی از سوی ساواک، مدت ۳ سال به ماهان کرمان تبعید شد. این روحانی شجاع، نحوه دستگیری، تبعید و مبارزات خود را در تبعیدگاه، این‌گونه تشریح کرده است: «تصادفاً در زمان صدور حکم تبعید، من به لحاظ تعطیلی تابستان، چند صباحی به زادگاه اصلی‌ام، مشکین شهر سفر کرده

سختیها و مرارت‌های فراوانی را متحمل گردید.

معظم له دربارهٔ دوران سخت تبعید خود در کاشمر چنین یاد کرده است: «پس از یک سال، دوباره و به صورت ناگهانی مرا به شهر کاشمر منتقل کردند و یک سال هم در آنجا تحت مراقبت شدیدتر از پیش قرار گرفتم. این بار در هر مسجدی که چند روز شروع به نماز می‌کردم به سراغم آمده، نمازم را تعطیل می‌نمودند و حتی در گوشهٔ مدرسه‌ای که توقف داشتم اجازهٔ نماز جماعت ندادند و گاهی در مدارس آنجا، در تاریکی نماز جماعت می‌خواندیم. چندین بار رئیس شهربانی مرا تهدید کرد که عاقبت کارت وخیم خواهد بود. ماهم حرفش را از گوشی به گوش دیگر تحویل داده، مشغول کار بودیم و اگر چنانچه مورد عنایت برخی علمای آنجا قرار نگرفتم، مشمول محبت و الطاف خالصانهٔ طلاب محترم و مردم

یک سال در آنجا تحت مراقبت بودم. در آن محیط، زمینه را مقتضی دیده و بنای اقامه نماز جمعه را نهادم. رفته رفته اجتماع زیاد شد و ساواک کرمان گزارش را به مرکز رسانید. روزی، نزدیک غروب بود که به پاسگاه احضار شدم و همانجا سوار ماشینم کرده به سوی کرمان و از آنجا به سوی شهرستان گلپایگان روانه نمودند و بچه‌ها در ماهان ماندند. ناگفته نماند که در ماهان مشمول الطاف و محبت عده زیادی از روحانیان محترم کرمان و اطراف آن قرار گرفتم و حال هم از آنها تشکر دارم.»^۱

آیت الله مشکینی در گلپایگان نیز تحت مراقبت شدید قرار داشت. مأموران، نماز جماعت وی را تعطیل کردند. وی نیز به ناچار برای دبیران و معلمان، کلاس تفسیر قرآن گذاشت. این استاد بزرگوار، در آنجا از احسان و نیکیهای مرحوم آیت الله محمدی گلپایگانی بهره‌مند شد. این بار نیز هنوز یک سال از اقامت وی در گلپایگان نگذشته بود که از سوی ساواک به شهرستان کاشمر تبعید شد و

۱. همان و خبرگان ملت، دفتر اول، تهیه و تنظیم و ناشر: دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، قم، زمستان ۱۳۷۹، ص ۳۵۴ و ۳۵۵.

طراحان و پیگیری کنندگان مسئله بود.^۳ در اهمیت این اعلامیه که از مهم ترین اعلامیه های جامعه مدرسین است همین قدر بس که از یک سو شاه هنوز در ایران بود و در مسند قدرت قرار داشت^۴ و از سوی دیگر، آن روزها مشخص نبود که چه خواهد شد و مسلم نبود که انقلاب به پیروزی می رسد و پیداست که اگر انقلاب به پیروزی نمی رسید، با افرادی که به صراحت، خلع شاه از سلطنت را امضا کردند، چه معامله ای می شد.^۵ البته تنظیم این اعلامیه و امضای بزرگانی همانند آیت الله مشکینی در تحریک

شریف آن سامان شدم و بالاخره پس از تمام شدن مدت تبعید، رسماً در میدان مبارزه افتادیم.»^۱

مشکینی در اسناد ساواک

مجموعه اسناد انقلاب اسلامی^۲ نشان می دهد آیت الله مشکینی در اغلب عرصه های سرنوشت ساز و خطرناک حضور محوری، حماسی و هدایت کننده داشته است. در قریب پنجاه مورد از بیانه ها و اعلامیه هایی که در دوران دشوار ستمشاهی از سوی حوزه علمیه قم و جامعه مدرسین به مناسبت های گوناگون صادر شده است، امضای حضرت آیت الله مشکینی، زینت بخش همه آنها بوده است که شاید مهم ترین آن اعلامیه ها، امضای ایشان، همراه یازده نفر دیگر در مسئله اعلام مرجعیت حضرت امام خمینی رحمته الله علیه بعد از رحلت آیت الله حکیم است و نیز امضای شجاعانه دیگر معظم له در اعلامیه بسیار مهم «خلع شاه از سلطنت» است.

بنا به اظهارات یکی از اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، حضرت آیت الله مشکینی یکی از

۱. همان، گلشن ابرار، ج ۵، ص ۵۷۹.
 ۲. اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳، ص ۱۰۶، ۱۱۰، ۱۳۰، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۸۸، ۲۲۲، ۲۲۹، ۲۳۹، ۲۵۱، ۲۶۸، ۲۷۲، ۲۹۲، ۲۹۹، ۳۰۵، ۳۲۲، ۳۳۱، ۴۰۵، ۴۲۰، ۴۲۷، ۴۳۴، ۴۴۴، ۴۴۹، ۴۵۲، ۴۶۲، ۴۷۳، ۴۷۶، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۱، ۴۹۱، ۴۹۸، ۵۰۵، ۵۰۷، ۵۲۰، ۵۲۲ و...
 ۳. خاطرات آیت الله طاهری خرم آبادی، ج ۲، ص ۲۵۲ و ۲۵۳ و خاطرات آیت الله محمد یزدی، ص ۲۶۵.
 ۴. خاطرات آیت الله طاهری خرم آبادی، ج ۲، ص ۲۵۲.
 ۵. پیام انقلاب، ش ۹۰، مصاحبه با آیت الله فاضل موحدی لنگرانی، قسمت اول، ص ۳۱.

ساواک به ثبت رسیده است.^۳

حضور فعال در عرصه انقلاب

آیت الله مشکینی از جمله شخصیت‌های نادری بود که اعتقاد داشت نهضت خونین ایران، تنها به رهبری امام خمینی به پیروزی خواهد رسید و از اینرو در مقابل هر جریانی که در صدد تضعیف رهبری، مرجعیت امام و نهضت مقدس او بود، می‌ایستاد. او با تفکر انحرافی عده‌ای در روزهای بحرانی و اوج انقلاب اسلامی مبنی بر اینکه «شاه بماند و سلطنت کند، نه حکومت» به مخالفت برخاست و با قدرت تمام در مقابل این شعار انحرافی، ایستاد و بر سرنگونی رژیم سلطنتی و خلع سلطنت از شخص شاه در میان مردم تأکید کرد.

فقیه اخلاقی آیت الله احمدی

۱. خاطرات آیت الله محمد یزدی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج اول، ص ۵۶۶، فعالیتها (۱۳۵۷ - ۱۳۴۱) چاپ مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۵، ص ۲۶۶.
۲. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم از آغاز تاکنون، ج ۱، ص ۴۰۰.
۳. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم از آغاز تاکنون، ج ۱، ص ۴۰۰، به نقل از: حماسه شهید اندرزگو، ص ۷۵.

مردم به مبارزه و عصبانیت از رژیم، تأثیر به سزایی داشت و حضرت امام هم خرسندی خود را از این کار شجاعانه، ابراز کردند.^۱

با توجه به فعالیت‌های گسترده مبارزاتی و جایگاه حوزوی بالای آیت الله مشکینی، ساواک ایشان را همراه هیجده نفر دیگر از آقایان، به عنوان «وعاظ ناراحت شهرستان قم» معرفی و از آنان به عنوان «روحانیان افراطی طرفدار آیت الله خمینی» نام برد و منبر رفتن آنها را به صلاح ندانست و نیز علاوه بر ممنوع المنبر بودن، ممنوع الخروج از کشور هم بودند.^۲

یکی از فعالیت‌های آیت الله مشکینی، ارتباطی است که با شهید سید علی اندرزگو داشته است. قبول درخواست شهید اندرزگو برای برگزاری درس اخلاق در یکی از مدارس علمیه تهران در سال ۱۳۴۸ شمسی و کمک مالی به ایشان در موارد لازم، هماهنگی با ایشان و ارائه کمک‌های مورد نیاز او در تبعیدگاه کاشمر، از جمله فعالیت‌های آیت الله مشکینی است که در این زمینه در اسناد

میانجی در این باره می گوید: «... [یکی از آقایان] به من که در میانه بودم سفارش کرده بودند تا آقای مشکینی را که در زنجان بودند، نسبت به این مسئله قانع کنم و ایشان هم امام را قانع کنند که عبارت شاه باید برود را حذف کنند. ما نیز با ماشین، نزد آقای مشکینی رفتیم. آقای مشکینی گفتند: «... [فلانی که این مطلب را گفته]، حسن نظر دارند؛ اما مگر با وجود شاه می توان انتخابات را آزاد کرد.»^۱

آیت الله مشکینی یکی از روحانیان متحصن در دانشگاه تهران به شمار می روند که با همکاری جمعی از روحانیان انقلابی برای ورود حضرت امام، لحظه شماری می کردند. آن جناب، بعد از انقلاب نیز در

مقابل توطئه گران براندازی نظام جمهوری اسلامی ایستاد و برای ثبات نظام، از هیچ تلاش و کوششی دریغ نورزید؛ آن گاه که دولت موقت به بهانه های مختلف، سعی در نابودی انقلاب اسلامی داشت، در همان ایام آیت الله مشکینی در خطبه های نماز جمعه به آنان هشدار داد و گفت:

«دولت موقت و ایادی آن باید به جهت پشت کردن به ملت محاکمه شوند.»^۲
آیت الله مشکینی در بلوای حزب خلق مسلمان نیز در منطقه آذربایجان حضور یافت. حضور و رهبری ایشان در کنار سایر رهبران دلسوز آن دیار، سبب شد آن حرکت ضد انقلابی در آذربایجان خاموش شود. همچنین پس از شهادت آیت الله مدنی، چند ماهی نیز امامت جمعه شهرستان تبریز را عهده دار شد و در این مدت، در ساماندهی و انسجام نیروهای انقلابی کوشید و آن گاه به دستور امام، برای انجام کارهای ضروری تر به قم رهسپار شد و فعالیت های پرثمری را در راه حفظ کیان انقلاب اسلامی انجام داد.

مسئولیتها

مسئولیت هایی که حضرت آیت الله مشکینی از اوایل پیروزی انقلاب داشته است عبارت اند از:

۱. خاطرات آیت الله احمدی میانجی، عبد الرحیم ابادری، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۷۸، ص ۲۷۵.
۲. گلشن ابراز، ج ۵، ص ۵۸۰.

عرصه‌های مختلف علوم اسلامی است، که عبارت‌اند از: ۱. اصطلاح الاصول؛ ۲. الفقه المأثور؛ ۳. مصطلحات الفقه؛ ۴. المبسوط؛ ۵. المواعظ العددیه؛ ۶. ازدواج در اسلام؛ ۷. واجبات و محرمات؛ ۸. رساله واجب و حرام؛ ۹. دروس فی الاخلاق؛ ۱۰. المصباح المنیر؛ ۱۱. تقلید چیست؟ ۱۲. تحریر المعالم؛ ۱۳. رساله خمس؛ ۱۴. قصار الجمل؛ ۱۵. نهج البلاغه موضوعی؛ ۱۶. تلخیص المکاسب؛ ۱۷. تفسیر روان برای نسل جوان؛ ۱۸. تکامل انسان از نظر قرآن؛ ۱۹. زمین و آنچه در آن است؛ ۲۰. ترجمه قرآن کریم به زبان فارسی؛ ۲۱. الرسائل الجدیده؛ ۲۲. المنافع العامه؛ ۲۳. حاشیه بر عروة الوثقی.

در ضمن، هزاران نوار سخنرانی اخلاقی، سیاسی از آن فقیه بزرگوار به

۱. بسنابه گفته حضرت آیت الله امینی در خطبه‌های نماز جمعه (۱۳۸۶/۵/۱۹) ۳۰۰ خطبه نماز جمعه از مرحوم آیت الله مشکینی به یادگار مانده است که در صورت تدوین، برای عموم فضلا، طلاب و علاقمندان قابل استفاده خواهد بود.

۱. عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم از بدو تشکیل - که سالیان متمادی دبیری این تشکیل سیاسی را به عهده داشته است -؛

۲. امام جمعه موقت تبریز؛

۳. حاکم شرع دادگاههای خوزستان و ساماندهی اوضاع و ادارات آن استان؛

۴. رئیس شورای بازنگری قانون اساسی نظام اسلامی با حکم امام؛

۵. نماینده مردم آذربایجان در مجلس خبرگان در تدوین قانون اساسی؛

۶. نماینده خبرگان رهبری از تهران؛

۷. رئیس مجلس خبرگان در سه دوره متوالی؛

۸. امام جمعه محبوب قم با حکم امام و رهبری؛^۱

۹. مسئول گزینش و اعزام قضات با حکم امام.

خدمات

الف. آثار و تألیفات

حضرت آیت الله مشکینی دارای تألیفات و آثار سودمندی در

در صورتی که از سوی برخی بزرگان حوزه مورد عنایت قرار بگیرد، تحول شگرفی در حوزه‌ها پدید خواهد آمد. آیت الله مشکینی از دیدگاه

بزرگان

۱. رهبر فرزانه انقلاب

رهبر فرزانه انقلاب حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله) در طی یک پیام تسلیت می‌فرماید: «... جایگاه رفیع او در نظام جمهوری اسلامی و ریاست مجلس خبرگان رهبری از آغاز تشکیل این مجلس که نشانه حرمت و مکانت او در چشم نخبگان و علمای بزرگ و اساتید مبرز روحانی کشور است و هرگز نمی‌توان در تواضع و فروتنی او یا در زندگی زاهدانه و دامن پاک او کم‌ترین خدشه‌ای وارد آورد. او جامع علم و عمل، جهاد و زهد و تشخیص و سلوک صائب و مستقیم و بدون انحراف بود.»

۲. حضرت آیت الله العظمی مکارم

شیرازی

«آیت الله مشکینی، عالمی

یادگار مانده است که در صورت پیاده شدن و تدوین، یک مجموعه ارزشمند و نفیس علمی، اخلاقی و سیاسی خواهد شد.

ب. خدمات فرهنگی و اجتماعی

۱. تأسیس مدرسه دینی الهادی رحمته الله؛ ۲. تأسیس داروخانه خیریه الهادی رحمته الله؛ ۳. تأسیس بیمارستان الهادی رحمته الله؛ ۴. تأسیس چاپخانه الهادی رحمته الله؛ ۵. تأسیس مصلاهی بزرگ قدس.

در ضمن، وی در تأسیس جامعه الزهراء قم و دانشگاه امام صادق رحمته الله تهران نقش مؤثری داشتند.^۱

ج. خدمات حوزوی

آیت الله مشکینی یکی از طلایه‌داران تغییر در متون درسی حوزوی به شمار می‌رود. برخی تألیفات آن بزرگوار همانند: «تلخیص الاصول»، «الرسائل الجدیده» و... نیز فصل‌بندی کتب فقهی به چند قسمت عبادات و معاملات، سیاسیات، اجتماعیات و... فصل نوینی را در حوزه‌های علمیه ایجاد کرده است. کتب ابتکاری، کاربردی و ژرف‌ایشان،

۱. خاطرات آیت الله مهدوی کنی، تدوین دکتر غلامرضا خواجه سروی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۵، ص ۳۹۵-۳۹۹.

وارسته و مجاهدی مبارز، سالها یک نهاد حوزوی، یعنی جامعه مدرسین و یکی از مهم‌ترین ارکان نظام جمهوری اسلامی، یعنی مجلس خبرگان را آبرومندانه اداره کرد و هرگز از مسیر اصلی انقلاب، گامی فراتر نهاد.

درسهای اخلاق و خطبه‌های اجتماعی و سیاسی او در نماز جمعه، بسیار آموزنده و بیدارگر بود.»

۳. حضرت آیت‌الله العظمی صافی

گلپایگانی (مد ظله)

«حضرت آیت‌الله مشکینی از اساطین حوزه، اساتید با سابقه و صاحب مواضع شریفه و مساعی جمیله در امر به معروف و نهی از منکر و تهذیب اخلاق بودند.»

۴. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، رئیس

مجلس خبرگان رهبری

«حضرت آیت‌الله مشکینی، شخصیتی جامع، ستودنی و کم‌نظیر بود. ما طلبه‌ها نیم قرن بود که از انفاس قدسی ایشان بهره‌مند بودیم. در شروع و پایان جلسات خبرگان رهبری ما را به یاد خدا می‌انداخت و از جمله شخصیت‌هایی بود که در انقلاب بدون

هیاهو انجام وظیفه می‌کرد.»^۱

حضور در جبهه‌های نور

آیت‌الله مشکینی از جمله چهره‌های ارزشمند و پرفایده‌ای بود که در طول هشت سال دفاع مقدس بارها به جبهه‌ها و در میان رزمندگان اسلام رفت و با ایراد خطابه‌های اخلاقی به تقویت روحیه رزمندگان و تشویق و ترغیب آنان در دفاع از حریم اسلام و مملکت اسلامی می‌پرداخت.

او علاوه بر حضور در جبهه‌های حق علیه باطل، به استانهای مختلف مسافرت و در جمع گرم و پرشور مردم با ایراد سخنان آتشین و مؤثر، آنان را به استقامت، بردباری و دفاع از کیان اسلام و جمهوری اسلامی دعوت می‌کرد. آن جناب، در بعضی از مراسم اعزام نیروهای شهرها و استانهای کشور حضور می‌یافت و با وجود گرم خود مایه تقویت روحیه رزمندگان می‌شد. همچنین در کمکهای مادی و معنوی به جبهه‌های حق علیه باطل، از شخصیت‌های تأثیرگذار بود و نیز در

۱. تمامی سخنان بزرگان فوق از مجله افق حوزه، ۱۷ مرداد ۱۳۸۶، استخراج شده است.

مکارم شیرازی در مسجد بالاسر حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام به خاک سپرده شد. عاشر سعیداً و مات حمیداً.^۱

تشیع پیکرهای پاک شهدا حضور می‌یافت و خود را در غم و اندوه خانواده‌های داغدار سهیم می‌ساخت.

غروب غم‌انگیز

حضرت آیت الله مشکینی پس از ۸۶ سال مجاهدت و مبارزه در راه اسلام و احیای آثار ارزشمند اهل بیت علیهم السلام، سرانجام بعد از سپری کردن یک دوره کوتاه مدت بیماری در بیمارستان بقیت الله علیه السلام تهران، در روز هشتم مرداد ماه سال ۱۳۸۶ شمسی، دار فانی را وداع گفت و روح پاکش به ملکوت اعلا پرکشید. به دنبال رحلت آن بزرگوار، موجی از غم و اندوه سراسر کشور اسلامی ایران را فرا گرفت و پیامهای مهمی از سوی مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، مراجع عالیقدر تقلید، سران قوای سه‌گانه و سایر ارگانها و سازمانها صادر شد. پیکر پاکش در روز چهارشنبه ۱۰ مرداد در دانشگاه تهران، تشییع و آن‌گاه به قم منتقل شده، سپس، پنج‌شنبه ۱۱ مرداد ماه از مسجد امام حسن عسکری علیه السلام با شکوه خاصی، تشییع و پس از نماز حضرت آیت الله العظمی

۱. شرح حال آیت الله مشکینی و فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی وی در منابع ذیل آمده است:

- مجموعه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم از آغاز تاکنون، ۸ جلدی، زیر نظر سید محسن صالح، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۵.

- گلشن ابرار، ج ۵، تهیه و تدوین جمعی از مؤلفان پژوهشکده علمی - کاربردی باقر العلوم علیهم السلام، نور السجاد، قم، ۸۴.

- خبرگان ملت، شرح حال نمایندگان مجلس خبرگان رهبری، دفتر اول، تهیه و تنظیم و ناشر: دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، قم، ۱۳۷۹.

- نهضت روحانیون ایران، علی دوانی [۱۰ جلدی]، ج ۳ و ۴، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۷.

- اسناد انقلاب اسلامی [۵ جلدی]، ج ۳، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۴.

- هفته‌نامه افق حوزه، [هفته‌نامه خبری حوزه‌های علمیه]، سال ۶، ش ۱۵۸، ۱۷ مرداد ۱۳۸۶.

- آثار الحجة یا اولین دائرة المعارف حوزه علمیه قم، محمد شریف رازی، [۳ جلدی]، دار الکتاب، قم، ۱۳۳۲.

- نهضت امام خمینی [۲ جلد]، سید حمید روحانی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۶.